دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۷-۴۵

فرا تحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

محسن نیازی[۱]
ولی بهرامی[۲]
ایوب سخایی[۳]
سید سعید حسین زاده[۴]

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، به‌کارگیری روش فرا تحلیل به‌منظور تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات صورت گرفته پیرامون بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی می‌باشد. این تحقیق به روش فرا تحلیل کمی صورت پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش را، تعداد ۳۰ مورد از پژوهش‌های انجام‌شده درزمینه بررسی رابطه بین تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی، بین سال‌های ۹۵-۱۳۸۹ در ایران تشکیل می‌دهند. از طریق نمونه‌گیری هدفمند، ۱۰ پژوهش که در فصلنامه‌های معتبر علمی- پژوهشی به چاپ رسیده و دارای ویژگی‌های مناسب برای ورود به فرا تحلیل بودند به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. یافته‌های حاصله حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار مطالعات موردبررسی داشتند. ضریب اندازه اثر و نقش تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت و سطح تحصیلات با به‌کارگیری نسخه دوم نرم‌افزار CMA مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی معادل۰/۵۳ می‌باشد که برحسب نظام تفسیری کوهن، در محدوده اطمینان و در سطح حد زیاد ارزیابی می‌شود. رابطه میان مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی از منظر ویژگی‌ها و مختصات مطالعات به‌شدت متغیر و متفاوت بوده و این امر لزوم توجه به متغیر تعدیل گررا پررنگ جلوه می‌دهد. ضریب اثر بر اساس متغیر تعدیل گر جنسیت برای مردان (۰/۵۸) بالاتر از زنان (۰/۴۶) بود، بدین معنی که میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته، یعنی می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان متأثر از مشارکت اجتماعی هست. ضریب اثر بر اساس متغیر سطح تحصیلات، در سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم ۰/۵۵ و در سطح تحصیلات زیر دیپلم ۰/۴۴۸ بود؛ یعنی میزان مشارکت اجتماعی کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته است.

واژگان کلیدی: *فرا تحلیل، حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵

۱. استاد جامعه شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کاشان
۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول اصلی،bahrami1171@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان
۴. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

مقدمه و بیان مسئله

رشد و گسترش بی‌رویه شهرها و افزایش جمعیت آن‌ها در قرون اخیر باعث تراکم مادی و اخلاقی در فضاهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌یافته شهری شده است؛ بطوریکه وضع مقررات و تدوین قوانین شهری، وضع تکلیف، حقوق شهروندی و مسئولیت حاکمیت شهری جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی شهری از الزامات شهرنشینی و مدیریت شهری بوده است(فتحی و مختار پور،۱۳۹۰:۱). موضوع شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن رابطه شهروند را با مدیریت شهر یا دولت و حکومت تبیین می‌نماید. مفهوم شهروندی به‌عنوان فردی که تعهداتش را می‌پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی، خودآگاه بودن را لازمه مشارکت خود می‌داند، راهی است که امروزه بسیاری از تشکل‌ها، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می‌دانند (فتحی واجارگاه و همکاران، ۱۳۸۸). شهروندی به‌عنوان رویکردی است که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره می‌کند و تعامل بین فرد و جامعه را جهت می‌دهد و به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد(پارکر، ۲۰۰۰). شهروندی یکی از ویژگی بارز انسانی است که ناشی از نیاز اجتماعی انسان به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر افراد انسانی، آگاهی نسبت به حقوق و تکالیف و وجود یک اخلاق مشارکت‌جویانه و آگاهانه در فعل‌وانفعالات اجتماعی مطرح‌شده است(شرفی،۱۳۸۷:۵۲). آشنایی با مفهوم شهروندی به‌خوبی نشان می‌دهد که این ایده در اصل به حقوق اقتصادی و سیاسی دسترسی و مشارکت مربوط می‌شود و کسانی که برای پوشش حقوق اجتماعی فراسوی آن‌ها حرکت می‌کنند، فقط ارتقاء برابری را به‌منظور حمایت از یکپارچگی اقتصادی هدف قرار می‌دهند (شیانی،۱۳۸۴:۱۸). ازآنجاکه در مفهوم شهروندی جنبه حقوقی و تکالیف و مسئولیت‌ها مطرح می‌شود و مسئولیت شهروندی همان «خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است» (نوروزی، ۱۳۸۵:۲۸). بدین معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی آشنایی و آگاهی نداشته باشند، از وظایف خودآگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. پس برای اینکه حقوق شهروندی مؤثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آن‌ها را محترم بشمارند. آگاهی از این حقوق به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود وزندگی بهتر خود و مشارکت بیشتر شهروندان در امور جامعه می‌شود (شیانی،۱۳۸۲:۶۷). در ایران بیش از یک سده است که مبارزه برای احقاق حقوق شهروندی و به‌عبارت‌دیگر فرآیند تبدیل امت به ملّت و رعیت به شهروند با فراز و نشیب‌های فراوانی ادامه دارد (مالجو،۱۳۸۱:۳۴). بااین‌وجود هنوز شاهد چالش‌های فرهنگی و اجتماعی بحران‌زا در شهرهای مختلف ایران هستیم. به عقیده‌ی کارشناسان مسائل

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

اجتماعی ایران، بخش عمده‌ی از این چالش‌ها به دلیل عدم آگاهی و ناآشنایی شهروندان از حقوق شهروندی‌شان است (پیرهادی:۱۳۸۵، ۴۴). چنانچه در چند دهۀ اخیر حقوق شهروندی و آگاهی از این حقوق به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل‌شده و توجه متفکران و سیاستمداران زیادی را به خود جلب کرده است. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود. بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آن‌ها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقاء آن نقش مؤثری دارد (شیانی،۱۳۸۸:۳۷). به نظر می‌رسد آگاهی از حقوق شهروندی امروز به‌عنوان نیاز اساسی برای تمام شهروندان درآمده است. چراکه آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مردم بهتر در امور شهری مشارکت کامل داشته باشند(مایور،۱۳۸۳: ۷۶). آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری برخوردار گشته و شاهد کاهش مشکلات و مسائل در زندگی شهری باشیم.درمجموع شهروندی و مشارکت ارتباط بسیار تنگاتنگ باهم و با مردم محوری یا دموکراسی، تقویت حوزه عمومی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیری شهروندان، ایجاد شرایط و زمینه‌های مشارکت و آسیب‌شناسی اجتماعی مشارکت شهروندان دارد(شیانی،۱۳۸۴:۱۶۱). همچنین اگر شهرنشینان به کمک حکومت‌ها و دولت‌ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند و مشارکت نداشته باشند، خطر تمرکز امور، دور شدن از دموکراسی، کاهش کارایی افزایش هزینه ها، یکسان‌سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت زندگی شهری، به وجود خواهد آمد(یونسکو،۱۹۸۷). گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال‌های اخیر در ایران مشکلات و مسائل خاصی را در زندگی شهری به وجود آورده است و مدیریت‌های شهری امروزی دیگر قادر نخواهند بود با روش‌های سنتی و معمول رایج گذشته، برای ارائه خدمات یک‌سویه موفقیتی به دست آورند؛ به‌عبارت‌دیگر آنچه امروزه توسعه شهری را تضمین می‌کند، مشارکت تمامی شهروندان در فعالیت‌های شهری است (شارع پور و همکاران،۱۳۹۵:۳)؛ بنابراین موفقیت برنامه‌ریزان شهری در جهت افزایش مشارکت شهروندان، حرکت از مشارکت صوری به سمت مشارکت واقعی و هدفمند هست (نیازی،۱۳۹۴:۱۰۹). مشارکت واقعی و هدفمند مبنایی است برای تبدیل فرد به شهروند (کلدی و پوردهناد،۱۳۹۱:۳۶). مشارکت نقش اساسی و تعیین‌کننده در هویت‌یابی فـرد و تبـدیل آن بـه شهروند دارد (حسین زاده و همکاران،۱۳۹۱:۶۰) مشارکت شهروندی، برنامه‌های شهری را مشروعیت بخشیده و آن را نهادی می‌سازد (قلی پور،۱۳۸۰:۱۴۵). مشارکت نهادینه شهروندان، کیفیت برنامه شهری و رفاه شهروندان را افزایش

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

می‌دهد. بااین‌وجود مشارکت شهروندی به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی دارای تناقضی ریشه‌دار است. این تناقض نشان می‌دهد که ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی و خصوصی سخت مشارکت‌جو بوده‌اند، ولی در عرصه‌های رسمی، مشارکت‌جو نیستند (توسلی،۱۳۸۹: ۵) به همین خاطر شهروندی در نظام اجتماعی و ارتباط متقابل این مفاهیم با مشارکت از مسائل و دغدغه‌هایی است که محور بحث بسیاری از جامعه شناسان و تحلیل گران اجتماعی هست. در سال‌های اخیر درزمینه مفاهیم آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی مطالعات متعددی صورت گرفته و این مطالعات، در حوزه‌های مختلف و از ابعاد مستقیم و غیرمستقیم به بررسی ارتباط بین دو مفهوم مذکور پرداخته‌اند. گستردگی و پراکندگی مطالعات در این حوزه و رواج رویکردهای متعدد، لزوم انجام فرا تحلیلی منسجم جهت نیل به تصویری جامع‌تر از وضع موجود موضوع و نیل به نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهش و ارائه تصویر و چشم‌اندازی یکپارچه از یافته‌های علمی در این حوزه را ایجاب کرده و بر همین اساس با فرض اجرای مطالعات کافی در حوزه بررسی ارتباط میان آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی، سعی شده است تا مطالعات صورت گرفته را از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵، گردآوری و نتایج آن مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گیرد. با توجه به مباحث فوق، هدف و سؤال اصلی پژوهش به شرح زیر است:

هدف اصلی: فرا تحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

پرسش اصلی:

-تا چه اندازه مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر داشته است؟

- تا چه اندازه متغیر جنسیت تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی را تعدیل می‌کند؟

- تا چه اندازه متغیرمیزان تحصیلات تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی را تعدیل می‌کند؟

مبانی و چارچوب نظری:

شهروند: شهروند به کسی گفته می‌شود که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقال، مباحثه و مشارکت باشد و از وظایف و حقوق شهروندی خود در قبال دیگران و جامعه اطلاع داشته باشد(عربستانی و حاجیان،۷:۱۳۸۴).

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

حقوق شهروندی: بـه معنـای مجموعه‌ای از حقـوق سیاسـی، مـدنی، اجتمـاعی، فرهنگی و جنسیتی است که شهروند از آن برخوردار می‌شود(شیانی و داودوندی،۱۳۸۹:۴۶).

آگاهی: به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است کـه دلالـت بـر بـاخبری کامـل از اوضاع‌واحوال مسـائل جـاری در یـک حـوزه خـاص دارد(آقا بخشی،۱۳۸۶:۳۱).

آگاهی شهروندی: به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تکالیفشان است(پور عزت،۱۳۸۸).

مشارکت: به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا درگروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است (بیرو،۱۳۹۰:۲۵۷). بوکلند، مشارکت را به‌عنوان زیربنای پیشرفت جامعه و از شرایط لازم برای توسعه اجتماعی قلمداد نموده است. از دیدگاه وی، مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه به شمار می‌رود(بوکلند،۱۹۹۸:۹۱).

مشارکت اجتماعی: فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن، کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است(گائوتری، ۱۹۸۶:۳۷).

جدول شماره(۱): خلاصه‌ای از رویکردهای نظری مشارکت اجتماعی

رویکرد	آراء
دیدگاه کارکردگرایی	در این دیدگاه اعتقاد بر این است که استمرار و دوام حیات جامعه براثر مشارکت اجتماعی افراد هست.
دیدگاه ساختارگرایی	فرض اساسی این نظریه بر این مبناست که روابط پایدار نهادینه‌شده در جامعه، مشارکت اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد و این مشارکت موجب حفظ ساخت‌های جامعه می‌شود.
دیدگاه تضادگرایی	در دیدگاه تضاد، توجه به روابط طبقاتی، مبادله نابرابر کشمکش و ستیز میان گروهی در اولویت هست.
دیدگاه فرهنگی	این دیدگاه رامی‌توان به‌عنوان مبنای‌ترین‌و اصلی‌ترین دیدگاه درزمینه مشارکت شهروندان دانست. به‌طوری‌که بررسی ارزش‌های فرهنگی که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی هستند در زمره این دیدگاه قرار دارد و ارزش‌های فرهنگی، پیش‌نیاز توسعه و رسیدن به حداکثر مشارکت اجتماعی می‌گردد.
دیدگاه روان‌شناختی	این نظریه فرد را ملاک و معیار قرارداد و معتقد است افزایش مشارکت، ناشی از تغییر نگرش، افکار و شخصیت افراد هست. یک سلسله تغییرات در شخصیت افراد

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

	یکی از بهترین راه‌های افزایش مشارکت اجتماعی است.
دیدگاه‌متغیرهای الگویی تالکوت پارسونز	پارسونز در تحلیل خود به متغیرهایی چون خردگرایی، عام‌گرایی، جهت‌گیری جمعی، فعال گرایی و اکتساب گرایی به‌عنوان زمینه و عوامل مشارکت و در برابر آن‌ها عواملی چون عاطفه گرایی، خاص گرایی، جهت‌گیری فردی، انفعال گرایی انتساب گرایی را به‌عنوان موانع مشارکت شهروندان مطرح می‌نماید.

(نیازی،۱۳۹۴:۱۰۷)

مشارکت و شهروندی: بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، مشارکت را معرف اصلی شهروندی دانسته و آن را به گونه‌های مختلف مورد تحلیل قرار داده‌اند. مباحث مربوط به شهروندی و مشارکت، در چارچوب دموکراسی قرار دارد. شناسایی ابعاد مختلف مشارکت در قالب حقوق و وظایف شهروندی می‌تواند راه‌های اجرایی مؤثر و کارآمد خواسته‌های شهروندان باشد، زیرا اعضای جامعه هم هدف و هم وسیله تحقق اجتماعی هستند(شیانی،۱۳۸۴:۱۶۱). آشنایی با مفهوم شهروندی به‌خوبی آشکار می‌سازد که بدون مشارکت فعال اعضای جامعه، شهروندی در مفهوم واقعی آن به منصه ظهور نخواهد رسید. در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها درزمینه مشارکت و شهروندی دو رویکرد عمده را می‌توان از هم تفکیک کرد: رویکرد خودنگر و رویکرد کلان نگر.

جدول شماره (۲): خلاصه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها درزمینه مشارکت و شهروندی

دیدگاه‌ها و نظریه‌ها	آراء	
خرد نگر	ذهنی	در این دیدگاه بیشتر بر تمایلات، انگیزه‌ها و گرایش‌ها نسبت به مشارکت تأکید می‌شود. در این بخش، تمایلات و گرایش‌های فردی نسبت به مشارکت مطرح می‌شود.
	رفتاری	در بخش رفتاری، انجام فعالیت‌های داوطلبانه جمعی و مشارکت در سازمان‌ها و نهادها مطرح می‌شود و رفتارها، نتیجه سود و زیان تلقی شده است. در این دیدگاه مشارکت به‌عنوان یک رفتار هنگامی از فرد سر می‌زند که در برابر آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری را برای آن پرداخت نماید.
کلان نگر	در این دیدگاه بیشتر شرایط، به‌ویژه عناصر ساختاری موردتوجه قرارگرفته است. مشارکت می‌تواند به شیوه‌ای تبدیل شود که بازتاب حقوق واقعی مردم در عرصه‌های مختلف جامعه باشد یا می‌تواند ابزاری در دست قدرتمندان شده و جنبه صوری و عوام‌فریبی پیدا کند. مشارکت در نهادهای مدنی و فعالیت‌های داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آن‌ها خواهد بود.	

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

(شیانی و همکاران،۱۳۹۱:۲۲۳)

بر این اساس، در بررسی تحولات نظری مفهوم مشارکت و حقوق شهروندی، می‌توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری‌خواهی را از یکدیگر تفکیک کرد (شیانی،۱۳۸۴:۸۴). در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد بوده و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرفی را دارد. بنابراین شهروندی باید برمبنای حقوق باشد، این امر نشان می‌دهد که حقوق امری بنیادی در امور شهروندی محسوب می‌شود. درحالی‌که در مکتب جمهوری‌خواهی این تعهدات و وظایف هستند که نقش محوری ایفا می‌کنند. شهروندی در این تفکر یک عمل و فعالیت تعریف می‌شود و از شهروندی به مسئولیت فرد، نسبت به جامعه تأکید شده است. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به‌بیان‌دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند. در این مکتب استدلال می‌شود که شهروندان خود را به‌عنوان بخشی از جامعه مشترک می‌دانند و احساس مسئولیت نسبت به جامعه دارند و برای دستیابی به اهداف مشترک در فعالیت‌ها و امور مربوط به اجتماع، مشارکت می‌نمایند (اولد فیلد،۱۹۹۰:۵۱). در گفتمان شهروندی جمهوری خواهان، شهروندی فقط شأن حقوقی نیست، بلکه نوعی فعالیت یا اقدام نیز محسوب می‌شود، بطوریکه درگیر نشدن در فعالیت‌های اجتماعی موجب «نا شهروندی» شهروندان می‌گردد، لذا مهم‌ترین الزام شهروندی در این گفتمان، حمایت از شهروندان برای تحقق منزلت شهروندی است (نجاتی حسینی،۱۳۸۰:۱۵). در دیدگاه جامعه شناسان نیز افرادی چون مارشال، ژانوسکی، مارکس، پارسونز، هابرماس، ترنر و ...در زمینه شهروندی نظریه‌پردازی کرده‌اند.

به‌زعم مارشال، شهروندی" موقعیتی "است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطاشده به آن‌ها، با یکدیگر برابرند (مارشال،۱۹۶۴). به عقیده مارشال حقوق شهروندی به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به‌ویژه به‌وسیله دولت است (کاستلز و دیویدسون،۱۳۸۲:۲۲۲). حقوق سیاسی به معنای برخورداری همه افراد از زمینه‌های مشارکت در بخش‌های مختلف جامعه است. حقوق اجتماعی هم‌طیف وسیعی از انواع حقوق مانند حق برخورداری از کمترین میزان رفاه و امنیت وزندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه‌های موجود متمدن را شامل می‌شود(مارشال،۱۹۶۴: ۱۹).

ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت- ملت دانسته که به‌موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند. وی به‌طورکلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (جانوسکی،۲۸:۱۹۹۸).

به‌زعم وبر، برای تشکیل شهر به‌عنوان اجتماع کامل، یک سکونتگاه باید دارای تسلط نسبی روابط تجاری بازرگانی بوده و خصایصی مانند قلعه، بازار، دربار و قانون نسبتاً مستقل، نوعی سازمان و تشکیلات مربوط به آن و استقلال نسبی و خودفرمانی، یعنی مدیریت توسط مدیرانی که با مشارکت شهروندان انتخاب‌شده‌اند، وجود داشته باشد(ممتاز، ۱۱۰:۱۳۷۹). بنابراین، وبر یکی از خصوصیات مهم شهر را مشارکت شهروندان می‌داند، همچنین وجود قانون نسبتاً مستقل و سازمان و تشکیلات انجمن‌های متکی به انتخاب آزاد افراد، از اصول اساسی حقوق سیاسی شهروندان می‌باشند که وبر مدنظر قرارداد است(سلطانی فرو همکاران، ۶:۱۳۹۰). مارکس با زیربنا قرار دادن منابع اقتصادی و روبنا قرار دادن آگاهی و شعور انسان‌ها به شهروندی و حقوق مربوط به آن توجه داشته است. به عقیدهٔ وی مجموعه این روابط پایه واقعی بنای حقوقی و سیاسی را می‌سازند و با صورت‌های معینی از آگاهی همراه‌اند. در نظام سرمایه‌داری نابرابری‌های وسیع طبقاتی وجود دارد وجایی برای شهروندی و مشارکت افراد نیست، پس شهروندان دارای حقوق برابر نیستند (مارکس،۲۹:۱۹۶۷). در همین راستا دارندروف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند، اگرچه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما درواقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (داراندورف،۱۴:۱۹۴۱).

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که درنهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکیددارند و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند ودرکی از" حقوق شهروندی "ندارند (حسام،۱۱:۱۳۸۱). هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی- سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعهٔ خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و

۱. Dahrendrof

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به‌زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هستهٔ اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد (هابرماس، ۱۹۹۴: ۳۴۵-۳۵۰).

به عقیدهٔ ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد وگروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع وی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی. این موارد به حقوق اجتماعی متمایز از حقوق انسانی با فرض عضویت در دولت - ملت مربوط می‌شود. بنابراین در تأکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است، پس در تعریف وی، شهروندی عاملی فعال است. همچنین حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است. شهروندی، موقعیتی اساسی است که به افراد فرصت شناخته شدن و حضور در اجتماع را می‌دهد. بنابراین شهروندی از پایین به بالا است و شهروندان با آگاهی از حقوق و وظایف خود در امور جامعه مشارکت می‌کنند (شیانی، ۱۷:۱۳۸۹).

در انتقاد به دنیای مدرن، پست‌مدرن‌ها مباحث و مجادلاتی را دربارهٔ ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی‌شدن، هویت‌های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت‌ها مطرح کرده‌اند. چنان‌که به اعتقاد آنان، ماهیت شهروندی در دوران مدرن دچار تناقض شده و محدودیت در زمینه دولت-ملت، همه‌شمولی و مساوات‌طلبی در رویکردهای لیبرال مشاهده می‌شود که برای دست‌یابی به شهروندی واقعی باید از میان برداشته شود. فالکس، ازجمله پست‌مدرن‌هاست که در شهروندی پسامدرن خود به دفاع از لیبرالیسم می‌پردازد. به عقیدهٔ وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنادار هستند که به‌وسیله احساس تعهد به دیگران حمایت شوند، دیگرانی که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند(فالکس،۲۰۷:۱۳۸۱). فمینیست‌ها نیز عمدهٔ بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسئله طرد زنان از حقوق شهروندی به

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خودزنان مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. چنان‌که برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود، بنابراین زنان برای اینکه به‌مثابه شهروندانی عامل زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به عملشان در تمام عرصه‌های (خصوصی– عمومی) زندگی کنند(شیانی،۱۷:۱۳۸۸).

به‌طورکلی و با توجه به نظریاتی که در مبانی نظری مطرح شد، تقریباً تمام گفتمان‌ها نظریه‌ها برخی از مضامین موردمطالعه را توضیح می‌دهند. به‌بیان‌دیگر هر یک شهروندی را از دیدگاه‌های متفاوت تعریف کرده و عوامل مختلفی را بر آن مؤثر دانسته‌اند. به‌زعم رابرت دال شهروند حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را باید داشته باشد. وی مشارکت در جامعه مدنی را تابع ضوابط و شرایطی می‌داند که شامل موارد زیر است:۱- شهروندان از امکان مشارکت مؤثر در فراگرد سیاسی و طبعاً از فرصت‌های کافی و مساوی با یکدیگر بهره‌مند باشند تا پس از تأمل و سنجش، هدف و ارجحیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را تعیین و دنبال کنند و بتوانند علت‌هایی را که موجب شده است یک هدف یا خط‌مشی را بر هدف یا خط‌مشی دیگر برتری دهند برشمارند.۲- هر یک از شهروندان مطمئن باشند که داوری و رأی او در تصمیم‌گیری‌های مهم جمعی بر روی کار آمدن یا کنار رفتن حکومت‌ها و تأثیر بر خط‌مشی آن‌ها، همان ارزش و اعتباری رادار است که داوری و رأی شهروندان دیگر در موافقت و مخالفت و ابراز عقیده منشأ اثر و موردتوجه جدی است.۳- شهروندان از فرصت و مجال کافی و مساوی با یکدیگر برخوردار باشند تا به تأمل و درک آگاهانه امور بپردازند و دریابند چه رهیافت‌ها، گزینش‌ها و تصمیم‌هایی مصالح آن‌ها را تأمین می‌کند. این اصل پذیرفته‌شده باشد که شهروند خوب حق صلاحیت تعیین و تشخیص مصلحت خویش را دارد و تعیین این‌که چه مسائلی باید در دستور کار حکومت قرار داشته باشد و چه هدف‌ها و سیاست‌هایی را باید دنبال کنند، در حوزه اقتدار شهروند است. سرانجام همه اشخاص بالغ از امتیازات و حقوق گسترده شهروندی بهره‌مند باشند .در اندیشه سیاسی اجتماعی معاصر مؤلفه‌هایی مفهوم شهروندی را تبیین می‌کنند که بیش از هر چیز به نزدیکی شهروندی و جامعه مدنی تأکیددارند که ازجمله آن‌ها شأن، وفاداری، تکالیف، مسئولیت‌ها، هویت، آموزش و نقش هست (سلطانی فر و همکاران،۸:۱۳۹۰). راولز در زمینه مشارکت شهروندی برای دو عامل شخصیت اخلاقی فرد و نیروهای خرد، اهمیت زیادی قائل است. به‌زعم وی، شخصیت اخلاقی فرد، علاقه به مشارکت فعال و توانایی مشارکت درست و منطقی را در او به وجود می‌آورد. پس مشارکت

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

اجتماعی یکی از شروط اصلی شهروند شدن، هست (السان، ۸۲:۱۳۸۳). همچنین هانتینگتون؛ نقش نخبگان سیاسی را جهت تشویق مردم به مشارکت مؤثر می‌داند و معتقد است که آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارد، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. نگرش نخبگان سیاسی و وضع انجمن‌ها و گروه‌های واسط، از پیش‌زمینه‌های مشارکت محسوب می‌شوند (هانتینگتون،۲۲۵:۱۳۷۵).

جدول شماره (۳): شاخصه‌های انواع مشارکت شهروندان در فرایند جامعه

فعالیت‌های مشارکت‌جویانِه	فعالیت‌های پیرو منشانِه
۱- تصریح منافع	۱- ارائه منابع
-تماس‌های مبتنی بر نفع شخص	-پرداخت مالیات
-فعالیت در گروه‌های غیررسمی	-انجام خدمت نظام
-فعالیت در گروه‌های رسمی	-عضویت در هیئت منصفِ
-فعالیت‌های اعتراضی	۲- دریافت منابع
۲- تألیف منابع	-دریافت مزایای تأمین اجتماعی
-رأی دادن در انتخابات رقابتی	-دریافت مزایای رفاهی
-فعالیت حزبی در انتخابات رقابتی	۳- رفتار قانونمند
۳- سیاست‌گذاری	-اطاعت از قوانین
-رأی دادن در همه‌پرسی	-فرستادن فرزند خود به مدرسه
-عضویت در اجلاس شورای شهر	-مراعات قوانین ایمنی از سوی تولیدکننده صنعتی
-شورای کارگران	-ارائه و دریافت نمادها
	-یاد کردن سوگند وفاداری
	-گوش سپردن به سخنرانی‌های سیاسی
	-رأی دادن در انتخابات غیررقابتی

(نیازی، ۱۳۸:۱۳۹۴)

مشارکت به‌عنوان مبنا و معرف شهروندی و جزئی از حقوق و وظایف شهروندی است که می‌تواند به گونه‌های مختلف در جامعه اعمال شود .بر اساس نظر آیزین و وود، می‌توان ماتریس چند سطحی شهروندی و مشارکت را چنین ترسیم کرد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۴): ابعاد شهروندی و مشارکت

مشارکت	ابعاد شهروندی		
	عضویت	حقوق	ابعاد
عدم مشارکت	۱	۲	۳
مشارکت صوری	۴	۵	۶
مشارکت واقعی	۷	۸	۹

بر اساس این ماتریس، مشارکت در عمل به الگوی پیچیده روابط میان۹ خانه، هم در امتداد و هم میان سطوح و ابعاد

مختلف شهروندی به نسبت دخالت در امور- میزان و نوع مشارکت - بازمی‌گردد. این گستره می‌تواند عضویت صرف وعدم مشارکت تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان را در برگیرد.

ارنشتاین درسال ۱۹۶۹ مشارکت شهروندی را با کاربرد استعاره نردبان مشارکت مطرح کرد. در این نردبان مراتب مشارکت شهروندی شناسایی‌شده است. مدل ارنشتاین به رابطه دوسویه قدرت و مشارکت شهروندان اشاره دارد. بطوری که پیوند و ارتباط بین این دو مفهوم از موضوعاتی است که در ادبیات توسعه و مشارکت و نیز در اندیشه صاحب‌نظران این مباحث جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. به نظر نلسون و رایت در خصوص تحلیل رابطه قدرت و مشارکت توسعه مدل تحلیلی از قدرت وجود دارد.

۱- مدل قدرت با [۱]استفاده از استعاره توسعه انسانی [۲]و در مبحث مشارکت، آن را با مفهوم توانمندسازی [۳]نشان می‌دهد.

۲- مدل قدرت بر[۴] که از استعاره توزیع مجدد [۵]و تحول ساختاری استفاده می‌نماید. در مبحث مشارکت خود را با برخورداری از قدرت تصمیم سازی [۶]نشان می‌دهد.

۱. Power to
۲. Human development
۳. Empowerment
۴. Power over
۵. Redistribution
۶. Decision – making

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

۳- مدل تمرکز زدا از استعاره تمرکززدایی [۱]استفاده می‌نماید و در مباحث مشارکت خود را با تأکید بر مفهوم از پایین به بالا [۲]نشان می‌دهد.

برای تحلیل رابطه مشارکت و قدرت، جایگاه مشارکتی افراد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که در این زمینه به بحث آرنشتاین استناد می‌شود. ارنشتاین، مشارکت را به الگوی پیچیده روابط در امتداد و سطح و ابعاد شهروندی نسبت به دخالت در امور، میزان و نوع مشارکت مرتبط می‌داند که می‌تواند از عضویت صرف و عدم مشارکت تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان را در برگیرد.

جدول شماره (۵): مدل نردبان مشارکت ارنشتاین

نظارت شهروند قدرت تفویض شده همکاری	قدرت شهروند
تسکین‌بخشی مشاوره اطلاع‌رسانی	مساوات‌طلبی نمایشی
درمان عوام‌فریبی	فقدان مشارکت

(شیانی،۱۳۸۴:۱۶۸)

بر اساس نظر ارنشتاین، در پایین‌ترین پله این نردبان، عدم مشارکت وجود دارد و شهروندان از هیچ قدرتی برخوردار نیستند. گاهی برخی سازمان‌ها با ایجاد شکلی ساختگی از مشارکت، به عوام‌فریبی می‌پردازند. سرپوش گذاشتن بر دیدگاه‌ها و رفتارها از طریق نظرسنجی، هدف پله درمان است. مراتبی از اطلاع‌رسانی به شهروندان نسبت به حقایق موجود درباره برنامه‌ها، پله بعدی است. در صورت عملکرد مناسب در مرحله آگاه‌سازی، حرکت به‌سوی جلب مشارکت شهروندان آغاز می‌شود و مشاوره برای انعکاس نظرات شهروندان به تصمیم‌گیرندگان سودمند خواهد بود. نتیجه این مشاوره، برخورداری کم از حق مشارکت است اما به‌طور موقت و تسکین‌بخش که مشارکت واقعی محسوب نمی‌شود؛ یعنی شهروندان از اقتدار کافی برخوردار نبوده و تصمیم‌گیری با صاحبان قدرت است و مراتبی از مساوات‌طلبی نمایشی به وجود می‌آید. در پلکان بعدی اشکال واقعی مشارکت دیده می‌شود که در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروند مطرح می‌شوند و بیانگر توزیع قدرت شهروند به‌واسطه مذاکره است. مخالفان بر این عقیده‌اند که این سطح به دلیل

[۱]. Decenteralization
[۲]. Bottom – up

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

هزینه‌بر بودن، نارسایی و امکان سوءاستفاده فرصت‌طلبان، مانع از ارائه مناسب خدمات عمومی می‌شود. درواقع با این نردبان می‌توان به تفاوت مشارکت تصنعی و واقعی پی برد. علاوه بر سطوح فوق، مشارکت می‌تواند در اشکال و مراتب دیگری نیز سطح‌بندی شود که متأثر از رابطه اعضای جامعه و تصمیم سازان و تصمیم‌گیرندگان است (نیازی:۱۳۹۴، ۱۱۸).

روش‌شناسی:

تحقیق حاضر از نوع فرا تحلیل بوده است. در این روش پژوهشگر، نتایج تحقیقات مختلف و متعدد را باهم ترکیب کرده و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. در تحقیق فرا تحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند (مایکل و همکاران،۱۳۹۳). در ادامه به روش اجرای فرا تحلیل در هر یک از مراحل پرداخته‌شده است. مرحله اول: تعریف موضوع پژوهش؛ موضوع پژوهش حاضر بررسی رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی با استفاده از رویکرد فرا تحلیل است. متغیر مستقل این پژوهش مشارکت اجتماعی و متغیر وابسته میزان آگاهی از حقوق شهروندی هست. مرحله دوم: جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات انجام‌شده درزمینه موضوع مدنظر؛ در این مرحله مطالعات گذشته درزمینه‌موضوع موردمطالعه گردآوری شد. لذا جامعه آماری این پژوهش را کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران درزمینه بررسی رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت (حضور در عرصه عمومی) از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۵ تشکیل می‌دادند که دریکی از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (*SID*)، پایگاه مجلات تخصصی نور (*Noormags*)، پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (*Magiran*) و پایگاه مرکز اسناد و مدارک علمی ایران (*Irandoc*) ... نمایه شده باشند. این تعداد تا قبل از مرحله غربال مطالعات ۳۰ مطالعه را شامل می‌شود. مرحله سوم: غربال مطالعات و گزینش مطالعات مورداستفاده و مناسب؛ جهت غربال گیری و نمونه‌گیری از جامعه یادشده، ۱۰ سند پژوهشی که حائز شرایط و ملاک‌های انتخاب بودند گزینش شدند؛ مانند داشتن ضریب همبستگی رابطه بین دو متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی سطح معنی‌داری، مشخص بودن حجم نمونه بود، جهت ترکیب کمی نتایج و به دست آوردن نتیجه واحد احصا شدند. مرحله چهارم: گردآوری اطلاعات لازم از هر یک از مطالعات: فهرست اطلاعاتی که از مطالعات مذکور استخراج‌شده است شامل موارد زیر است: ۱- اطلاعات عمومی شامل: نام نویسنده

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

(ها)، سال انتشار، جامعه آماری ۲- اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش، شامل ضریب همبستگی رابطه بین دو متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی ، سطح معنی‌داری ۳- حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری. در این مرحله علاوه بر گردآوری داده‌های هر یک از مطالعات، کدبندی‌شده و برای مرحله بعدی در نرم‌افزار CMA وارد گردید. مرحله پنجم: محاسبه اندازه اثر؛ روش اصلی فرا تحلیل مبتنی بر ترکیب نتایج است که معمولاً پس از تبدیل آماره‌ها به شاخص r و برآورد اندازه اثر[۱] مورداستفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است در این فرا تحلیل آماره‌های پژوهشی با استفاده از رویکرد هانتر و اشمیت[۲] به شاخص r تبدیل شد. در این مقاله برای تحلیل استنباطی داده‌ها ابتدا به بررسی مفروضات فرا تحلیل پرداخته‌شده است، به‌نحوی‌که به کمک نمودار قیفی[۳] و روش رگرسیونی خطی اِگر[۴]، همبستگی رتبه‌ای بگ و مزودار[۵] و N ایمن از خطا به بررسی خطای انتشار[۶] و به با آزمون Q به بررسی ناهمگونی[۷] مطالعات پرداخته شد، سپس با توجه به ناهمگونی بین مطالعات استفاده‌شده از مدل اثرات تصادفی[۸] برای ترکیب نتایج و رسیدن به‌اندازه اثر استفاده شد، در این مدل، تغییرات پارامتر در بین مطالعات نیز در محاسبات در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت نتایج حاصل از مدل با اثرات تصادفی در شرایط ناهمگنی قابلیت تعمیم بیشتر نسبت به مدل با اثرات ثابت دارد. برای تفسیر نتایج از سیستم تفسیری کوهن[۹] بهره گرفته‌شده است. لازم به ذکر است که کلیه این عملیات با استفاده از ویرایش دوم نرم‌افزار جامع فرا تحلیل۱۰ و به روش ترکیب تصادفی اندازه اثر صورت گرفت. در جدول شماره (۶) خلاصه اطلاعات مربوط به مطالعات مختلف پیرامون رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت حضور در عرصه عمومی نمایش داده‌شده است.

---

۱. *Effect size*

۲. *Hunter&Schmidt*

۳. *Funnel plot*

۴. *Egger,s linear regression method*

۵. *Begg and Mazumdar rank correlation*

۶. *Publication bias*

۷. *Q tset for heterogeneity*

۸. *Random effect model*

۹. *Cohen*

۱۰. *Comperhensive Meta-Analysis – V2*

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره(۶): خلاصه اطلاعات جمع‌آوری‌شده

ردیف	محقق و سال	حجم نمونه	جامعه آماری	ضریب همبستگی	نمونه‌گیری
۱	شیانی و داودوندی (۱۳۸۹)	۳۰۰	دانشجویان	۰/۸۰۸	**خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای**
۲	شهبازی و ابراهیمی (۱۳۹۲)	۲۷۰	زنان	۰/۴۰۵	**تصادفی**
۳	ولی خانی دهقانی و همکاران (۱۳۹۳)	۳۶۸	ساکنین نواحی ۱۱ کانه اصفهان	۰/۸۷۳	**طبقه‌ای**
۴	حاج زاده و منصوری (۱۳۹۳)	۳۸۴	اقوام مختلف	۰/۳۸۲	**تصادفی**
۵	تاج مزینانی و همکاران (۱۳۹۵)	۲۵۷	دانش آموزان متوسطه دوم	۰/۳۴۴	**خوشه‌ای چندمرحله‌ای**
۶	هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)	۲۷۰	زنان	۰/۵۳۳	**خوشه‌ای چندمرحله‌ای**
۷	احمد پور (۱۳۹۱)	۳۸۰	کلیه افراد بالای ۱۵ سال شهربابک	۰/۴۶۲	**تصادفی چندمرحله‌ای**
۸	شهبازی گهرویی (۱۳۹۰)	۲۷۹	–	۰/۵۴۰	**تصادفی- خوشه‌ای**
۹	کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱)	۲۲۰	دانشجویان	۰/۳۸۰	**تصادفی**
۱۰	شارع پور و همکاران (۱۳۹۵)	۴۳۷	شهروندان شهر ساری و بالاتر از ۱۸ سال	۰/۱۵۰	**طبقه‌ای و تصادفی**

در جدول شماره(۷) ضمن برآورد اندازه اثر تفکیکی پژوهش‌های برگزیده مبتنی بر یک مقیاس مشترک، اثرات ترکیبی ثابت و تصادفی کلی نیز مشخص گردید.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره(۷): خلاصه اطلاعات مربوط به فرا تحلیل بر روی پژوهش‌های نمونه

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱	شیانی و داودوندی (۱۳۸۹)	۰/۸۰۸	۰/۷۶۵	۰/۸۴۴	۱۹/۳۲۳	۰/۰۰۱
۲	شهبازی و ابراهیمی (۱۳۹۲)	۰/۴۰۵	۰/۳۰۰	۰/۵۰۰	۷/۰۲۰	۰/۰۰۱
۳	ولی خانی دهقانی و همکاران (۱۳۹۳)	۰/۸۷۳	۰/۸۴۶	۰/۸۹۵	۲۵/۷۰۷	۰/۰۰۱
۴	حاج زاده و منصوری (۱۳۹۳)	۰/۳۸۲	۰/۲۹۳	۰/۴۶۴	۷/۸۵۵	۰/۰۰۱
۵	تاج مزینانی و همکاران (۱۳۹۵)	۰/۳۴۴	۰/۲۳۱	۰/۴۴۸	۵/۷۱۶	۰/۰۰۱
۶	هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)	۰/۵۳۳	۰/۴۴۲	۰/۶۱۳	۹/۷۱۱	۰/۰۰۱
۷	احمد پور (۱۳۹۱)	۰/۴۶۲	۰/۳۷۹	۰/۵۳۸	۹/۷۰۵	۰/۰۰۱
۸	شهبازی گهرویی (۱۳۹۰)	۰/۵۴۰	۰/۴۵۱	۰/۶۱۸	۱۰/۰۳۷	۰/۰۰۱
۹	کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱)	۰/۳۸۰	۰/۲۶۱	۰/۴۸۸	۵/۸۹۳	۰/۰۰۱
۱۰	شارع پور و همکاران (۱۳۹۵)	۰/۱۵۰	۰/۰۵۷	۰/۲۴۰	۳/۱۴۹	۰/۰۰۲
	اثرات ترکیبی ثابت	۰/۵۳۰	۰/۵۰۴	۰/۵۵۵	۳۳/۰۳۳	۰/۰۰۱
	اثرات ترکیبی تصادفی	۰/۵۳۱	۰/۳۳۷	۰/۶۸۱	۴/۸۲۵	۰/۰۰۱

جدول فوق نشان می‌دهد که در همه ۱۰ مطالعه مدنظر رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی با اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشند. بزرگ‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه سوم (ولی خانی دهقانی و همکاران) و کوچک‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه دهم (شارع پور و همکاران) هست. همچنین هم اثرات ثابت و هم اثرات تصادفی در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشند.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های فرا تحلیل (همگن بودن مطالعات انجام‌شده و بررسی خطای انتشار در میان مطالعات) پرداخته خواهد شد.

۱. بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام‌شده

یک بخش از هر فرا تحلیل آزمون همگنی مطالعات هست که به‌منظور بررسی این مفروضه از آزمون Q استفاده‌شده است که نتایج حاصل از بررسی آن در جدول (۳) نمایش داده‌شده است؛

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۸): نتایج حاصل از آزمون *Q*

شاخص آماری	مقدار آزمون (*Q*)	درجه آزادی (*Df*)	سطح معنی‌داری (*P-Value*)	*I-Squared* (I^2)
نتایج	۴۲۰/۵۹۹	۹	۰,۰۰۱	۹۷/۸۶۰

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ($Q = 420/599, P<0.01$) باید گفت با اطمینان ۹۹٪ فرض صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام‌شده رد گردیده و فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تائید می‌شود. به بیانی دیگر معنادار بودن شاخص Q نشان‌دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است، اما ازآنجاکه این شاخص به افزایش تعداد اندازه اثر حساس هست و با افزایش تعداد اندازه اثر توان این آزمون برای رد همگنی بالا می‌رود، مجذور I شاخص دیگری است که به همین منظور مورداستفاده قرار می‌گیرد. ضریب مجذور I دارای مقداری از ۰ تا ۱۰۰٪ است و درواقع مقدار ناهمگنی را به‌صورت درصد نشان می‌دهد. هر چه مقدار این ضریب به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثرهای پژوهش‌های اولیه است. نتایج حاصل از ضریب مجذور I مؤید این مطلب است که حدوداً ۹۷/۸۶۰ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط هست. لذا تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به‌منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. درواقع این آزمون به ما می‌گوید که رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی، به‌شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات متفاوت‌اند و در این وضعیت باید از متغیرهای تعدیل گری برای مشخص کردن واریانس و محل این تفاوت‌ها استفاده کرد. البته در این پژوهش تلاش‌های زیاد برای شناسایی این متغیرها صورت گرفت. مراجعه مجدد به اطلاعات گردآوری‌شده در چک‌لیست‌ها و بررسی مجدد فرضیات و متغیرها نیز انجام شد و نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای جنسیت و سطح تحصیلات (به‌عنوان متغیر کیفی) موردبررسی قرار گرفت.

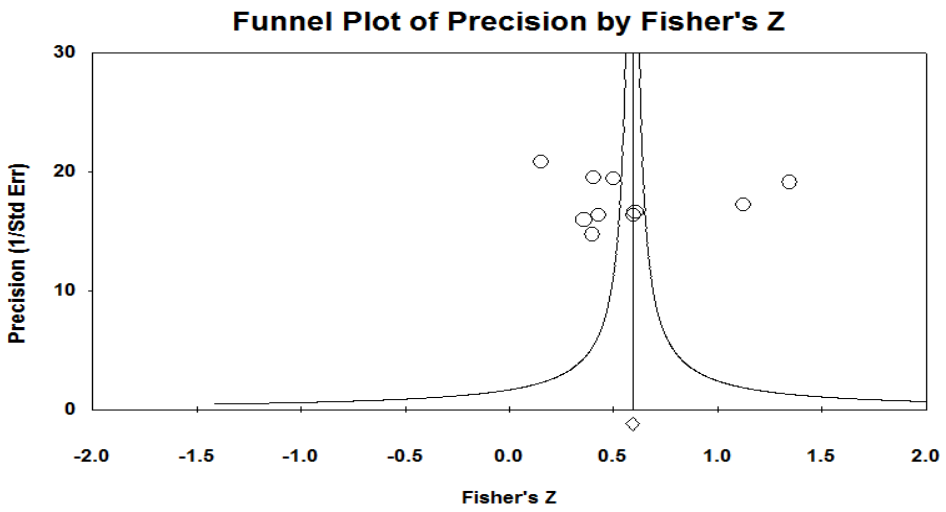
۲. بررسی مفروضه خطای (تورش) انتشار

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

بخش دیگر فرایند فرا تحلیل بررسی خطای انتشار هست که ناشی از انتشار پژوهش‌های چاپ‌شده و عدم انتشار پژوهش‌های چاپ‌شده و انواع خطاها هست. به بیانی دیگر یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فرا تحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع موردبررسی انجام‌شده‌اند. به‌منظور بررسی این مفروضه از نمودار قیفی و روش رگرسیونی اگر روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار و N ایمن از خطا استفاده‌شده است که نتایج بررسی این مفروضه به کمک روش‌های مختلف در قسمت زیر ارائه گردیده است.

۲-۱. نمودار قیفی

یکی از رایج‌ترین روش‌ها به‌منظور بررسی خطای انتشار، نمودار قیفی هست. نمودار قیفی مطالعات گردآوری‌شده به‌منظور بررسی خطای انتشار در قسمت زیر ارائه گردیده است؛



نمودار (۱): نمودار قیفی به‌منظور بررسی خطای انتشار

نتایج حاصل از نمودار قیفی وارونه تقریباً تداعی‌کننده تقارن نسبی مطالعات انجام‌شده هست، اما قضاوت صریحی در این مورد نمی‌توان انجام داد و می‌بایست برای این منظور از آزمون‌های آماری مربوطه (روش رگرسیونی خطی اگر و آزمون همبستگی بگ و مزومدار، روش چینش و تکمیل دووال و توئیدی و N ایمن از خطا) استفاده شود در این روش فرض صفر (H_0) بیانگر متقارن بودن نمودار و عدم سوگیری انتشار هست و فرض خلاف (H_1) بیانگر عدم تقارن نمودار قیفی و سوگیری انتشار دارد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

۲-۳. نتایج روش رگرسیون خطی اگر

در نبود سوگیری انتشار انتظار می‌رود در تحقیقات کوچک اثر استاندارد کوچک و در تحقیقات بزرگ، اثر استاندارد برگ مشاهده شود. این حالت خط رگرسیونی را ایجاد می‌کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد. نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر به‌منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول (۹) هست

جدول شماره (۹): نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر

شاخص آماری	برش (*B*)	خطای استاندار (*SE*)	*t-Value*	سطح معنی‌داری (*P-Value*)	
				یک دامنه	دو دامنه
نتایج	۲/۱۶۵	۲۱/۷۰	۰/۰۹۹	۰/۴۶۱	۰/۹۲۲

بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر برش برابر با (۲/۱۶۵)، فاصله اطمینان ۹۹٪ برابر با ۰/۸۷ هست. ازآنجاکه مقدار P یک دامنه ۰/۴۶۱ و دو دامنه ۰/۹۲۲ هست، لذا بیانگر این مطلب است که فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار قیفی و عدم سوگیری انتشار تأکید می‌گردد.

۲-۴. N ایمن از خطا

آزمون N ایمن از خطا روزنتال تعداد مطالعات گمشده (با میانگین اثر برابر با صفر) یعنی تعداد مطالعات مؤید فرضیه صفر را که باید به تحلیل اضافه شود و ازلحاظ آماری یک اثر کلی غیر معنادار به دست داده و نتیجه را تغییر دهد پیشنهاد می‌کند. نتایج حاصل از این روش در قسمت به شرح جدول زیر هست.

جدول (۱۰): محاسبات N ایمن از خطا

شاخص	مقدار
مقدار Z برای مطالعات مشاهده‌شده	۳۲/۹۲
مقدار P برای مطالعات مشاهده‌شده	۰/۰۰۰۱
آلفا	۰/۰۵۰
باقیمانده	۲
Z برای آلفا	۱/۹۵۹

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

تعداد مطالعات مشاهده‌شده	۱۰
تعداد مطالعات گمشده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند	۲۸۱۲

با نگاهی به جدول (۱۰) می‌توان دریافت که باید تعداد ۲۸۱۲ مطالعه دیگر صورت گرفته و بررسی شود تا مقدار P دوسویه ترکیب‌شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند، به این معنی که باید ۲۸۱۲ مطالعه دیگر انجام شود تا در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطایی رخ دهد و این نتیجه حاکی از دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش است. ۲۸۱۲ موردمطالعه فاصله از خطا مقدار مناسب و قابل‌توجهی است. با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فرا تحلیل به این نتیجه رسیدم که باید از مدل اثر تصادفی به‌منظور ترکیب نتایج به‌منظور گزارش اندازه اثر استفاده کرد، لذا در جدول شماره (۱۱) گزارش اندازه اثر مطالعات انجام‌شده در مدل تصادفی ارائه‌شده است.

جدول شماره (۱۱): نتایج حاصل از اندازه اثر مطالعات رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی

پرسش	تعداد مطالعات	اندازه‌اثر (r)	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی	۱۰	۰/۵۳	۰/۳۳۷	۰/۶۸۱	۴/۸۲۵	۰/۰۰۱

داده‌های جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد که میانگین اندازه اثر مشارکت اجتماعی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در نمونه موردپژوهش معادل ۰/۵۳ هست. چون این اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان هست، لذا باید گفت تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأکید می‌شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به‌دست‌آمده (۰/۵۳) بر مبنای معیار کوهن (جدول ۸) حاکی از اثر در حد زیاد هست. پس درمجموع باید گفت مشارکت اجتماعی در سطح زیادی می‌تواند بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی مؤثر باشد.

جدول (۱۲): مدل کوهن، نظام تفسیر اندازه اثر ناشی از فرا تحلیل

اندازه اثر	r	d

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

کم	۰/۱	۰/۲
متوسط	۰/۳	۰/۵
زیاد	۰/۵	۰/۸

با توجه به نتایج حاصل از ناهمگونی مطالعات در این قسمت سعی بر این است که به‌منظور مشخص کردن این ناهمگنی از متغیر تعدیل‌کننده استفاده شود تا شاید از این طریق بتوان مشخص کردن واریانس بین مطالعات پرداخت. در این پژوهش متغیرهای سطح تحصیلات و متغیر جنسیت (به‌عنوان متغیر کیفی) به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده انتخاب‌شده است.

الف بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر سطح تحصیلات:

جدول (۱۳): نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه مشارکت اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به تفکیک سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد اندازه اثر	مدل اثرات ثابت			مدل اثرات تصادفی		
		اندازه ترکیبی	*Z-Value*	*P-Value*	اندازه ترکیبی	*Z-Value*	*P-Value*
بالاتر از دیپلم	۸	۰/۵۴	۳۱/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۴/۱۳	۰/۰۰۱
زیر دیپلم	۲	۰/۴۵	۱۱/۲	۰/۰۰۱	۰/۴۴۸	۳/۹۳	۰/۰۰۱
کل	۱۰	۰/۵۳۰	۳۳/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۴۹	۵/۶۵۴	۰/۰۰۱

جدول (۱۳) اندازه‌های اثر ترکیبی مدل اثرات ثابت و تصادفی مربوط به رابطه بین مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی را به تفکیک سطح تحصیلات ارائه می‌دهد. در سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم اندازه اثر در مدل تصادفی ۰/۵۵ و در سطح تحصیلات زیر دیپلم اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۴۴۸ محاسبه‌شده که در هر دو گروه سطح تحصیلات در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هست. همچنین به‌طورکلی اندازه اثر در هر دو گروه سطح تحصیلات ۰/۴۹ هست. به بیانی دیگر می‌توان گفت میزان مشارکت اجتماعی کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته است.

ب بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

نتایج حاصل از بررسی متغیر جنسیت به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده به شرح جدول زیر است.

جدول شماره (۱۴): نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه مشارکت اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد اندازه اثر	مدل اثرات ثابت			مدل اثرات تصادفی		
		اندازه ترکیبی	*Z-Value*	*P-Value*	اندازه ترکیبی	*Z-Value*	*P-Value*
زنان	۵	۰/۴۶	۱۹/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۳/۰۹۶	۰/۰۰۲
مردان	۵	۰/۵۸	۲۷/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۵۷	۳/۵۰	۰/۰۰۱
کل	۱۰	۰/۵۳۰	۳۳/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۵۲۷	۴/۶۴۵	۰/۰۰۱

جدول (۱۴) اندازه‌های اثر ترکیبی مدل اثرات ثابت و تصادفی مربوط به رابطه بین مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی را به تفکیک جنسیت ارائه می‌دهد. در بین زنان اندازه اثر در مدل تصادفی ۰/۴۸ و در گروه مردان اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۵۷ محاسبه شد که در گروه مردان و گروه زنان در سطح خطای ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان معنادار هست. همچنین به‌طورکلی اندازه اثر در هر دو گروه مردان وزنان ۰/۵۲۷ هست. به بیانی دیگر می‌توان گفت میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته است. درواقع می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان متأثر از مشارکت اجتماعی هست.

بحث و نتیجه گیری

در گام نخست و در بررسی مفروضات همگنی ۱۰ پژوهش موردنظر، آزمون Q با اطمینان ۹۹ درصد، فرضیه صفر مبنی برهمگن بودن مطالعات انجام‌شده رد شد و فرض ناهمگونی اندازه اثر پژوهش‌ها مورد تائید قرارگرفت. رابطه میان مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی از منظر ویژگی‌ها و مختصات مطالعات به‌شدت متغیر و متفاوت بوده و این امر لزوم توجه به متغیر تعدیل گررا پررنگ جلوه می‌دهد. ارزیابی مفروضه خطای انتشار نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار قیفی و عدم سوی گیری انتشار، تائید شده است. در تصدیق این مسئله، محاسبه ضریب Nایمن از خطا بیانگر این مطلب بود که ۲۸۱۲ مطالعه دیگر لازم است صورت

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

گیرد تا در نتایج نهایی محاسبات خطاهایی رخ دهد و این امر حاکی از دقت و صحت اطلاعات به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر است. در بعد تحلیلی یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین اندازه اثر تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی معادل۰/۵۳ می‌باشد که برحسب نظام تفسیری کوهن، در محدوده اطمینان و در سطح حد زیاد ارزیابی می‌شود. در مقایسه با میانگین اندازه اثر حاصله، نیمی از مطالعات موردبررسی، اندازه اثری بالاتر و نیمی اندازه اثر کمتری از میانگین ۱۰ پژوهش موردبررسی را کسب کردند. بالاترین اندازه اثر مربوط به مطالعه ولی خانی دهقانی و همکاران (۰/۸۷۳) و کم‌ترین اندازه اثر مربوط به در مطالعات مذکور مربوط به پژوهش شارع پور و همکاران (۰/۱۵۰) بود. ضریب اثر بر اساس متغیر تعدیل گر جنسیت برای مردان (۰/۵۸) بالاتر از زنان (۰/۴۶) بود، بدین معنی که میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته، یعنی می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان متأثر از مشارکت اجتماعی هست. ضریب اثر بر اساس متغیر سطح تحصیلات، در سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم ۰/۵۵ و در سطح تحصیلات زیر دیپلم ۰/۴۴۸ بود؛ یعنی میزان مشارکت اجتماعی کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته است. زنان به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع نقش مهمی در جریان فرهنگ‌سازی و توسعه جوامع داشته و دارند اما طبق فرا تحلیل انجام‌شده میزان مشارکت اجتماعی زنان تأثیر کمتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت مردان به داشته است. درواقع می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی زنان کمتر متأثر از مشارکت اجتماعی آنان هست و این حاکی از ضعف مشارکت در بین زنان نسبت به مردان در تحقیقات و مطالعات موردبررسی است. برای تحلیل مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی زنان، فهم فرهنگ و ارزش‌های غایی غالب در جامعه و شناخت ویژگی‌های جهان ذهنی زنان به‌ویژه ارزش‌ها و نگرش‌های آنان ضروری است. طبق دیدگاه جورج هربرت مید و شاگردش هربرت بلومر در تحلیل کنش‌های افراد بایستی روی مفهوم خود و پنداشت فرد از واقعیت‌ها تأکید کرد. بر اساس این دیدگاه الگوی کنش یا شیوه‌ی برخورد افراد با واقعیت‌ها نه تابع واقعیت‌های بیرونی ونه تابع تمایلات درونی، بلکه تابع پنداشتی است که آنان از واقعیت‌ها در قالب نمادها پیدا می‌کنند. این پنداشت ها از طریق تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و امری متغیر و پویاست. مطابق این دیدگاه مشارکت اجتماعی زنان و همکاری آنان با نهادهای مدنی تابع پنداشتی است که آنان در فرآیند اجتماعی شدن از خود و امور دیگر کسب می‌کنند و تفسیری است که زنان برحسب هر موقعیت از نهادهای مدنی و موضوع‌های موردتوجه در مشارکت و انتظارات دیگران و نقش‌های مربوط به خود

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد پنداشت و تفسیر زنان از موقعیت خود برای مشارکت اجتماعی در ارتباط با نوع نگاه خانواده، نهادهای مدنی و باورها و نگرش‌های اکثریت جامعه در مورد آنان می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی آنان و تأثیر بر آگاهی از حقوق شهروندی‌شان دارد. باورها و اعتقادات و خصوصاً نگرش‌هایی از قبیل اینکه جایگاه زن باید در خانه باشد و زن نبایستی حضور چندانی در اجتماع داشته باشند و وسیله خودنمایی باشند و توجه و اهمیت بیشتر به فرزندان پسر و توجه کمتر به دختران در نهاد خانواده نیز نشان از همین مسئله دارد؛ مشروعیت سلطه مردان برزنان از طریق قوانین جدید مربوط به طلاق، خشونت و تجاوز و مسائل اقتصادی مثل مالیات و مستمری‌ها نیز نشان از این تفاوت‌های جنسیتی در سطح کلان دارد. همچنین رسانه‌ها، نظام آموزشی و ایدئولوژی همگی می‌توانند بسترها و مجراهایی باشند که از طریق آن این تفاوت‌های جنسیتی را بازتولید کنند؛ و این تفاوت‌های جنسیتی و هژمونی مردانگی یکی از عوامل مهم در میزان کمتر مشارکت زنان و ارتباط ان با مسئله آگاهی آنان از حقوق شهروندی است. به نظر می‌رسد برای تحقق شهروندی نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم، یک حرکت از بالا به پایین که همان فرصت دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان و ازجمله زنان برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه عرصه عمومی است. می‌توان گفت برای افزایش سطح آگاهی زنان از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی بیشتر آنان، بایستی فرهنگ شهروندی در جامعه را ارتقاء داد. شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئولیت‌پذیری عناصر مختلف جامعه دولت، حوزه خصوصی و حوزه عمومی است؛ که همانا اعضای جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، یعنی افراد و نهادهایی که دارای حق و تعهدات معینی هستند (هزارجریبی وامانیان،۱۳۹۰). با توجه به مباحث و یافته های پژوهش، می توان پیشنهادهای پژوهشی را به شرح زیر ارائه داد:

-تدوین و برنامه‌ریزی جامع آگاه‌سازی درزمینه حقوق، وظایف و هویت شهروندی زنان و سایر اقشار جامعه

-شناسایی محدودیت‌ها، منابع و اولویت‌بندی نیازها در گروه‌های مختلف زنان در جامعه

- تدوین و برنامه‌ریزی جامع جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه مطالعه و بررسی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

-تدوین و برنامه‌ریزی جامع جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه مطالعه و بررسی ارزش‌ها و تقویت ارزش‌های چون عام‌گرایی، اخلاق مشارکتی و مدنی برای افزایش آگاهی و تبدیل‌شدن به شهروندی فعال.

- معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و (NGO) ها و... درزمینه های مختلف به شهروندان و خصوصاً زنان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان می‌تواند میزان حضور در عرصه‌های عمومی زنان را افزایش دهد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

منابع

آقا بخشی، علی (۱۳۸۶) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

بیرو، آلن (۱۳۹۰). فرهنگ علوم اجتماعی جلد چندم، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان

پوپر، کارل (۱۳۶۹). جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه علی‌اصغر مهاجری، تهران: شرکت سهامی انتشار

پیر هادی، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، تهران: انتشارات سروش

توسلی، غلام عباس (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور

حسام، فرحناز (۱۳۸۱)، "هویت شهروندی"، فصلنامه اندیشه وپژوهش، سال پنجم، شماره ۵۱.

حسین زاده حسین، ایدر نبی الله و عباسی الهام (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم، ص ۸۲-۵۹

راودراد، اعظم و نائبی، هوشنگ (۱۳۸۶) تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده، پژوهش زنان، دوره پنجم، ص ۵۸-۱

السان، مصطفی (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر رعایت حقوق شهروندی بر توسعه پایدار، تهران، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۸

شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، شماره ۵

شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره (۱۳۸۹)، تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه ریزی رفاه وتوسعه اجتماعی، شماره ۵

شیانی، ملیحه؛ رضوی الهام، بهداد؛ دلپسند کامل (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران»، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره چهارم

صرافی، مظفر؛ اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴). شهروندمداری: راهکاری برای حل مسائل شهری در ایران، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۱۸-۲۱۷، صفحه ۲۱۷-۱۳۶

صفایی پور، مسعود؛ ملایی، سجاد؛ آدینه وند، علی‌اصغر (۱۳۹۰). مفهوم شهروندی (چالش‌ها و موانع قانونی پیش رو در ایران). کتاب سمینار رسانه و آموزش شهروندی، اداره‌ی کل آموزش شهروندی شهرداری تهران: ص ۲۴-۸

عربستانی، مهرداد و حاجیان، بهنام (۱۳۸۴). حقوق شهروندی، مجله فرهنگ شهروندی، شماره ۱.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۷). رهیافتی جمعیت شناختی به اشتغال زنان :با ملاحظاتی بر وضعیت ایران، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره‌ی ششم :ص ۱۹۳-۱۷۱

فروتن، یعقوب (۱۳۹۰)، شکاف نسلی مرتبط با نقش‌های جنسیتی و تحولات جمعیتی در ایران. پژوهش‌نامه‌ی جامعه‌شناسی جوانان، شماره‌ی اول :ص ۱۴۹-۱۴۴

قلی پور، آرین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران: سمت

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

کلدی، علیرضا و پوردهناد، نگار (۱۳۹۱)، بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران، فصلنامه مطالعات شهری، شماره چهارم، ص ۵۸-۲۹
کیویستیو، پیتر (۱۳۸۴)، اندیشه های بنیادی درجامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نشرنی
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نشر نی
مالجو، محمد (۱۳۸۱)، حقوق شهروندی و تأمین اجتماعی، مجلس و پژوهش، شماره ۳۳.
مایکل بورنشتین، لاری هجز، جولیان هیگینز، هانا روتشتین (۱۳۹۳)، راهنمای ویرایش دوم نرم افزار جامع فراتحلیل، ترجمه علی دلاور و کامران گنجی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
ممتاز، فریده (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار
نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران: انتشارت سازمان شهرداری‌های کشور
نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۵)، جایگاه شهروندی در گفتمان شوراهای اسلامی، ماهنامه شوراها، شماره ۵
هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر قلم
هزار جریبی جعفر (۱۳۹۰)، آگاهی زنان ازحقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعـات و پـژوهش های شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره ی نهم، صفحه ۱۸ -۱.
همتی رضا و احمدی، وکیل (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (موردمطالعه: شهر ایوان)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸
یعقوبی راد، فرزانه، هاشمی، شهناز، سلطانی فر، محمد (۱۳۹۰)، بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخورداری زنان از حقوق شهروندی، مدیریت فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱
Buck Land, Jerry. (1998), From Relief and Development to Assisted Self
Carter,A (2001)The political of Global Citizenship, London:Routledge.
Croft s. and Bresford (1992) The Politics of Participation, Journal of Critical
Dahrendrof, R (1994)." Citizenship and Byond: Byond: The social Dynamics of an Idea", in B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Consept, London:Routledge
Development, Paris,VNESCO
Gaoteri,H(1986), Popular Participation in Development, in Participation in
Habermas. j(1989)the public sphere London: sage in steren seidman(ed).
Janoski, T. (1998). Citizenship and civil society. Cambridge University Press.
Marshall,TH (1994),citizenship and social class in B.S. turner & Hamilton, citizenship:criticalcon sept, London: Roul ledge
Marx,k. (1967). on the jewish question in k.marx early political writings. cambridge:cambridge university press.
Oldfield, A (1990), Citizenship and Community: Civic Republicanism and the modern
P.Hamilton, ed, Citizenship Critical Concepts, London: Routledge
Reliance: Nongover Mental Oeganizatian in Bangladesh, Jerry. Buck lard

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]

Risman.Barbara J.2004" Gender as a social structure: wrestling with Activism". Gender society18(4): 450
Turner, B.S(1990), Outline of Citizenship in B.S Turner and Social Policy, Issue 35, PP 1-25
Unesco(1989)Declaration of thr rights of man. Available at:http://portal.unesco.org/ci en/ev

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-10]